

Matin Research Journal
Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution
Volume 26, Issue 102, Spring 2024

**Re-understanding the Concept of Cultural Independence in Imam Khomeini's Thought
(An Identity-centered Approach)**

Mohammad Sadegh Beheshti¹

Doi: [10.22034/MATIN.2023.305965.1943](https://doi.org/10.22034/MATIN.2023.305965.1943)

Abstract

Research Paper

One of the most important concepts in Imam Khomeini's political thought is cultural independence. The present article is an attempt to answer the following question: How cultural independence is explained in Imam Khomeini's viewpoints and thoughts and what is its status? The hypothesis of the present study is as follows: "In Imam Khomeini's thought, cultural independence is defined in order to distinguish the indigenous culture (with two components, i.e., Iranian and Islamic) from the Western culture, but this differentiation does not mean the total negation of Western cultural in an absolute and blind way. To substantiate the above-mentioned hypothesis, descriptive-analytical method has been used and identity-centered sociological approach has been employed to re-understand the concept of cultural independence with emphasis on the national dimension of identity (national cultural identity) which in itself contains cultural homogeneity vis-a-vis the differentiation with the other culture. In this regard, three characteristics of national cultural identity (preservation of cultural heritage, valuation in relation to it, and valuation in relation to the Persian language) have been comparatively studied in Imam Khomeini's thought. This comparison indicates the acceptance of the mentioned indicators not in an absolute and blind way, but in order to create an identification construct independent of the external culture and to negate the absolutist Westernist attitude of the Pahlavi government. The result is neither absolute rejection nor absolute acceptance of the Western culture, but while recognizing its positive achievements, through setting up an identity boundary with it, leads to cultural independence in this idea.

Keywords: Cultural independence, identity, national identity, national cultural identity, West, Imam Khomeini

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: sadegh.beheshti@gmail.com

بازشناسی مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره) (رویکرد هویت محور)

محمدصادق بهشتی^۱

Doi: 10.22034/MATIN.2023.305965.1943

مقاله پژوهشی

چکیده: یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه سیاسی امام خمینی، استقلال فرهنگی است. نوشتار پیش‌رو درصدد پاسخ بدین پرسش است که در آرا و اندیشه‌های امام خمینی استقلال فرهنگی چگونه تبیین شده و چه جایگاهی دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: «در اندیشه امام خمینی استقلال فرهنگی در راستای تمایز سازی برجسته فرهنگ خودی (با دو محتوای ایرانی - اسلامی) با فرهنگ غرب تعریف می‌گردد؛ اما این تمایز سازی به معنای نفی کلیت فرهنگی غرب به شکلی مطلق و کورکورانه نیست». برای اثبات فرضیه مورد نظر از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی هویت‌محور به بازشناسی مفهوم استقلال فرهنگی با تأکید بر بُعد ملی - هویتی آن (هویت ملی - فرهنگی) که در خود ویژگی تجانس فرهنگی معطوف به تمایز با فرهنگ غیر به همراه دارد، پرداخته شده است. در این راستا، سه شاخصه هویت ملی - فرهنگی (حفظ میراث فرهنگی، ارزش گذاری نسبت به آن و ارزش گذاری نسبت به زبان فارسی) در اندیشه امام انطباق داده شده است. این انطباق گویای پذیرش شاخصه‌های مورد اشاره نه به شکل مطلق و کورکورانه، بلکه در جهت ایجاد یک ساخت هویتی مستقل و دارای استقلال از فرهنگ بیرونی و نفی نگرش غرب‌گرای مطلق حکومت پهلوی است. امری که نتیجه‌اش نه طرد مطلق و نه پذیرش مطلق فرهنگ غرب بوده، بلکه ضمن شناسایی دستاوردهای مثبتش با ایجاد مرزبندی هویتی با آن، استقلال فرهنگی را در این اندیشه به ثمر می‌نشانند.

کلیدواژه‌ها: استقلال فرهنگی، امام خمینی، غرب، هویت، هویت ملی، هویت ملی - فرهنگی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

E-mail: sadegh.beheshti@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۱

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مطالبات سیاسی و فرهنگی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نقشی اساسی ایفا کرده مفهوم «استقلال» است. امام خمینی مفهوم استقلال را که دارای انواعی همچون استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره است، به‌عنوان یک مسئله کلیدی چه در سال‌های مبارزه و چه سال‌های پس از آن مطرح کرده است. نوع فرهنگی استقلال که بر عدم دل‌باختگی و دنباله‌روی متعصبانه از فرهنگ‌های بیرونی اشاره می‌کند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و درعین حال کلیدی‌ترین انواع استقلال، بخشی قابل توجهی از آرا و اندیشه‌های امام خمینی را در این راستا به خود اختصاص داده است. به استقلال فرهنگی می‌توان نگاهی هویت‌محور داشت؛ زیرا که هویت خود به دو عنصر «تشابه» و «تفاوت» اشاره دارد (اوزکریملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۷).

بر این اساس، استقلال فرهنگی به تشابه با «خود» و تمایز با «غیر» به لحاظ فرهنگی اشاره دارد. «خود» به پایندی و تشابه با شاخصه‌های فرهنگ خودی و «غیر» به تمایز با چنین شاخصه‌هایی تأکید می‌کند. در نتیجه هویت ملی - فرهنگی در چهارچوب یک سرزمین ملی به انعکاس مرز فرهنگی خود با دیگر هویت‌های فرهنگی غیر می‌پردازد. نکته اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی تأکید است که ایشان بر نقش فرهنگ به‌مثابه عاملی مهم در هویت‌بخشی جامعه ابراز می‌کند (فصیح‌رامندی، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۵). از همین رو، ایشان بر امت به‌مثابه یک کل فرهنگی بزرگ‌تر و ملت به‌عنوان یک کل فرهنگی کوچک‌تر تأکید می‌کند و در درجه اول اصالت را بر هویت فرهنگی امت به‌مثابه کلی متشابه و متجانس داده و بر هویت فرهنگی امت مسلمان (دربرگیرنده ملل مسلمان) تأکید می‌ورزد. درجه ثانویه اصالت در اندیشه ایشان هویت ملی - فرهنگی است که در این راستا ملت ایران با یکدیگر تشابه فرهنگی و با فرهنگ‌های غیر (متخاصم) دارای تمایز می‌شوند. امری که موجب مبارزه با نفوذ سلطه‌گران و از میان بردن جزیره ثبات آمریکایی‌ها در ایران گشت (سهرابی و موسوی‌خو، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۴).

بدین‌سان اندیشه امام دارای سیری دغدغه‌مند در راستای بیان شاخصه‌های فرهنگی امت مسلمان به‌عنوان یک کل دارای اصالت اولیه و همچنین ملت ایران به‌عنوان یک کل ثانویه است. بدیهی است بسیاری از سیاست‌های دول مسلمان منطقه به دلیل همراهی با بلوک‌های شرق و

غرب و خویش باختگی فرهنگی آنان مورد انتقاد و ملامت ایشان قرار گرفته و به همین دلیل در چنین شرایطی برای الگوی استقلال فرهنگی ایران (با تأکید بر مرزهای ملی) اولویت بیشتری قائل است؛ بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده چنین شاخصه‌هایی را در چهارچوب مرزهای ملی و با اولویت‌بخشی به هویت ملی - فرهنگی در دستگاه فکری امام خمینی بازشناسیم.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که در مباحث گذشته نیز اشاره شد، مفهوم استقلال فرهنگی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به تبع این امر، پژوهش‌هایی نسبتاً گسترده در حوزه تبیین و تحلیل مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی صورت گرفته است. در این قسمت به طرح برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مورد اشاره پرداخته شده و در پایان مشخصه و نوآوری نوشتار پیش‌رو نسبت به کارهای پژوهشی انجام گرفته، بیان خواهد شد.

- نویسندگان مقاله «مفهوم و مؤلفه‌های استقلال فرهنگی در اندیشه سیاسی امام خمینی» بر این باورند جهت درک مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه امام باید شروع بحث را «فرهنگ» قرار داد. سپس با تحلیل و بررسی جایگاه فرهنگ در این خصوص به مقوله استقلال پرداخت و مؤلفه‌های استقلال فرهنگی را در این اندیشه شناسایی کرد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای اسکینر استقلال فرهنگی در اندیشه امام را مبتنی بر هویت توحیدی علیه فرهنگ الحادی می‌داند (صدیقی، مسعودنیا و هرسیج، ۱۳۹۶).

- حسین محبوبی‌منش (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش بنیادین فرهنگ برای اصلاح جامعه در اندیشه امام خمینی» ضمن تبیین جامعه‌شناختی مفهوم فرهنگ به رویکرد امام خمینی در خصوص شاخص‌های فرهنگ استعماری و استقلال فرهنگی و نقش بنیادین فرهنگ در انحراف و بدبختی و نیز در اصلاح و خوشبختی جامعه پرداخته است.

- «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی» مقاله دیگری است که به قلم فرهاد درویشی (۱۳۸۹) نگاشته شده است. گرچه در مقاله مزبور استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی محوریت ندارد؛ اما سیر طبیعی و منطقی معرفت‌شناختی اندیشه امام در خصوص امنیت، موجب شده نگارنده بر بُعد فرهنگی و اعتقادی امنیت در آرای امام تمرکز نماید. وی در بخشی از مقاله خود آورده است: «... اما در آرا و اندیشه امام، بیشترین تأکید بر بعد

فرهنگی و اعتقادی امنیت است. اعتماد و اطمینان مبتنی بر اعتقاد به خداوند و توانایی جامعه مسلمانان در اداره جامعه و توکل به خدا برای یاری رساندن به انسان‌های مؤمن، بنیان امنیت در اندیشه امام است.»

- مریم محسنی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» با روش تحلیل محتوا و بررسی آرا و نظرات امام در خصوص مقوله فرهنگ، به تبیین مقوله تحول فرهنگی در این چهارچوب همت گمارده است. نکته اساسی نوشتار حاضر برجسته نمودن مقوله استقلال فرهنگی بر اساس تربیت انسان‌های صالح در آرای امام خمینی و مقدم دانستن آن در پی‌ریزی تحول فرهنگی جامعه است: «از مهم‌ترین بخش‌هایی که امام برایشان ارزش قائل هستند، مراکز آموزشی اعم از دانشگاه و حوزه و مدارس است؛ زیرا معتقدند که تا انسان‌های صالحی تربیت نشوند نمی‌توان به جامعه صالح دست‌یافت و در نتیجه نمی‌توان به استقلال فرهنگی رسید و اگر چنین امری حاصل نشود هر قدر هم که جامعه در عرصه‌های دیگر قدرتمند باشد، بدون استقلال فکری و فرهنگی دچار شکست خواهد شد» (محسنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵).

- مقاله دیگری که با مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی ارتباط دارد «مشکلات فرهنگی جهان اسلام و راهکارهای آن از دیدگاه امام خمینی» به قلم علی باقری دولت‌آبادی و رضا التیام‌نیاست (۱۴۰۰). نگارندگان مقاله مذکور بر این باورند تئوری‌های غالب برون‌رفت از عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه از دهه هفتاد به این سو بیشتر مبتنی بر مسائل سیاسی اقتصادی بوده است؛ اما نقش و جایگاه مسائل و مشکلات فرهنگی در عقب‌ماندگی این کشورها مورد غفلت واقع شده است. در این پژوهش با استفاده از نظریه بحران توماس اسپریگنز جایگاه مشکلات فرهنگی مسلمانان در این عقب‌ماندگی با محوریت آرا و اندیشه‌های امام خمینی تبیین شده است. امری که می‌تواند به راه‌حلی اساسی چون رفع وابستگی روحی و خودباختگی در برابر غرب جهت رفع بحران عقب‌ماندگی در این کشورها بینجامد.

برخی دیگر از آثار نگارش یافته مرتبط با مقوله استقلال فرهنگی عبارتند از:

- مقاله «تفکر و فرهنگ بسیجی در اندیشه امام خمینی» محمد حسین جمشیدی و محسن اسلامی (۱۳۹۶).

- مقاله «اندیشه امام خمینی، نگرشی انسان‌شناختی یا جامعه‌شناختی» سیدمحمد میرسندسی (۱۳۷۸).
 - مقاله «عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» معصومه خنکدار طارسی و احمد سلحشوری (۱۳۹۲).
 - مقاله «دولت و سیاست گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» یوسف خان محمدی (۱۳۸۶).
 - مقاله «نقش انقلاب اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی در بیداری جهان اسلام» حسین خادم، غلامحسین باقرآبادی و حامد زمانی منش (۱۳۹۲).
 - مقاله «آسیب‌شناسی فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی» حجت‌الله رحمانی (۱۳۹۳).
 - مقاله «تربیت فرهنگی از منظر امام خمینی» ساسان آسایش (۱۳۹۲).
 - کتاب «دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی» کبری اسدی مقدم (۱۳۷۸).
 - کتاب «فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی» میثم طاهری بنچناری (۱۳۸۹).
- ضمن تکریم و بزرگداشت آثار مذکور و دیگر نوشته‌های مرتبط با مقوله استقلال فرهنگی، بداعت پژوهش حاضر نسبت به دیگر آثار مرتبط، بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی با مدل هویت‌محور در بازشناسی آرا و اندیشه‌های امام خمینی در باب استقلال فرهنگی است. از این منظر، استقلال فرهنگی در آرای امام خمینی مقوله‌ای هویتی قلمداد شده و پیوند آن با بُعد فرهنگی هویت ملی بر اساس سه شاخصه (حفظ میراث فرهنگی، ارزش گذاری نسبت به میراث فرهنگی و ارزش گذاری نسبت به زبان فارسی) بررسی شده است.

چهارچوب نظری مفهومی پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، در پژوهش حاضر جهت تحلیل مقوله استقلال فرهنگی از رویکرد جامعه‌شناختی هویت‌محور استفاده می‌گردد. از این جهت که هم مقوله «استقلال فرهنگی» و هم مقوله «هویت» به‌طورکلی در حوزه مطالعه دانش جامعه‌شناسی برجستگی آشکاری دارد. جامعه‌شناسان به جهت تحلیل مناسب‌تر مفاهیم اجتماعی، با روشی قیاسی (کل به

جزء) آن‌ها را به انواع، ابعاد، خرده ابعاد و شاخصه‌هایی جهت شناخت دقیق‌تر تقسیم نموده و مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدین‌سان در نگاه ایشان هویت نیز به منزله مفهومی کلی، دارای ابعاد و شاخصه‌هایی جزئی‌تر جهت بررسی و شناخت دقیق‌تر است.

در نگاه جامعه‌شناختی، هویت مقوله‌ای اجتماعی تلقی شده و آشکار است هویت ملی - فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از انواع هویت (هویت ملی) مبنایی این‌چنینی یافته و شاخصه‌هایی جهت مطالعه آن مطرح می‌گردد. در این راستا، تاجفیل و ترنر مبنای هویت اجتماعی را با مقوله تعلق و وابستگی افراد به گروه‌های اجتماعی و دغدغه و تعلق خاطر آنان نسبت به عضویت در این گروه‌ها مرتبط می‌دانند. چنین دغدغه‌مندی البته به تمایز و مقایسه ذهنی گروه مذکور با دیگر گروه‌های رقیب انجامیده و مبنایی برتری طلبانه و جانب‌دارانه در اعضای گروه می‌یابد (بابایی فر، ۱۳۹۳، ص ۲۱). ابوالحسنی با بسط نگاه مذکور و با محوریت قراردادن مقوله هویت ملی به طرح شاخصه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد هویت ملی پرداخته است (۱۳۸۷، صص ۲۰-۱۹). در این خصوص، هویت ملی - فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از ابعاد هویت ملی با شاخصه‌هایی مورد شناسایی قرار گرفته است. علت انتخاب چنین مدلی (ابعاد / شاخصه محور) در پژوهش حاضر این است که می‌تواند هویت ملی - فرهنگی را به‌عنوان مقوله‌ای پویا و زنده و غیر تقلیل‌گرا چون فلسفی و تاریخی محض درک نموده و نسبت آن را با مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی بهتر آشکار کند.

با توجه به چهارچوب نظری مختار مورد اشاره، شناسایی شاخصه‌های هویت ملی - فرهنگی که در پی آن استقلال فرهنگی نیز معنا می‌یابد نیازمند دریافت درکی شایسته از مفاهیمی همچون هویت، فرهنگ، هویت ملی و استقلال فرهنگی است. محققان به‌طورکلی هویت را به دو نوع هویت فردی و هویت جمعی تقسیم می‌کنند. در این راستا، هویت فردی به «کیستی فرد» و ویژگی‌های خاص و تمایز بخش او نسبت به دیگران اشاره دارد. از این‌رو، این نوع از هویت بیشتر در حیطه بررسی دانش روان‌شناسی و دیگر شاخه‌های مرتبط با آن قرار می‌گیرد. در مقابل هویت فردی، هویت جمعی قرار دارد. این نوع از هویت بالاتر از مشخصه‌های خاص فرد به مشخصه‌هایی اشاره می‌کند که فرد با عضویت در گروه‌های گوناگون اجتماعی آنها را کسب می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت هویت جمعی به کیستی «ما» و هویت فردی به کیستی «من» اشاره می‌کند (اکبری، ۱۳۹۳، صص ۳۲۶-

۳۲۳). نکته مهم در تعریف هر دو نوع هویت عنصر تشابه و تمایز، یعنی احساس همانندی با دیگران یا تمایز با آنان است (اوزکریملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۷).

بدین سان هویت جمعی به یک «مای» جمعی و احساس تشابه میان افراد در یک گروه اجتماعی اشاره می کند. در این زمینه هویت‌هایی چون هویت ملی، هویت بین‌المللی، هویت قومی و هویت خانوادگی از انواع هویت جمعی محسوب می شوند. یکی از مهم‌ترین انواع هویت جمعی، هویت ملی است. این نوع از هویت که به هویت یک ملت اشاره دارد و بالاترین سطح هویت جمعی در جهان مدرن تلقی می گردد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸) مفهومی نه‌چندان قدیمی، بلکه نسبتاً جدید است. برخی محققان بر این باورند هویت ملی همگام با تحولات عصر مدرن در تحول مفهوم ملت به معنای مردم دارای حقوق سیاسی و سرزمین خاص جایگزین اصطلاحاتی چون منش ملی و آگاهی ملی در سال‌های بعد شده است. تحولات مذکور ابتدا اروپای غربی سده‌های هجدهم، نوزدهم و اوایل قرن بیستم را تحت تأثیر قرار داد و سپس به مشرق زمین و سایر سرزمین‌ها رسید (قوام و زرگر، ۱۳۸۸، ص. ۵۰).

برای هویت ملی می‌توان پنج بُعد در نظر گرفت:

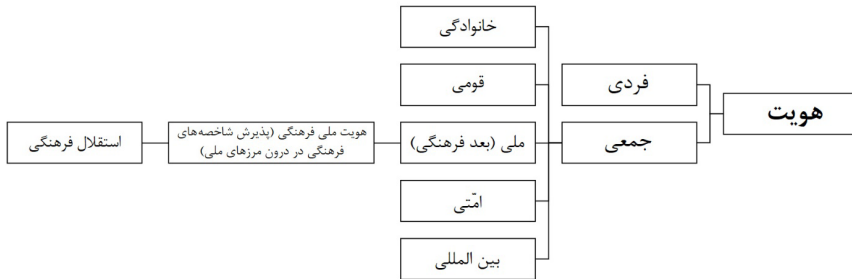
۱. بُعد اجتماعی: بُعد اجتماعی هویت ملی با تعامل برقرارکردن میان روابط اجتماعی فرد با نظام اجتماعی کلان، کیفیت و چگونگی این گونه روابط را مورد بررسی قرار می‌دهد.
۲. بُعد تاریخی: بُعد تاریخی هویت ملی به تفسیر و آگاهی مشترک افراد جامعه از رخدادهای تاریخی گذشته و احساس دل‌بستگی نسبت به آنها اشاره دارد. این امر موجب شکل‌گیری هویت تاریخی مشترک برای افراد جامعه می‌گردد. اهمیت تاریخ از این روست که با توجه به آن شهروندان نسبت به نمادها، اسطوره‌ها و افسانه‌های وطن خویش آگاه شده نسبت به قهرمانان، اسطوره‌ها و نمادهای ملی خویش احساس افتخار و غرور می‌کنند. بدین ترتیب تاریخ مشترک نقشی اساسی در هویت‌یابی ملی شهروندان دارد.
۳. بُعد جغرافیایی: بُعد جغرافیایی هویت ملی به ملاحظات افراد یک سرزمین پیرامون اقلیم آب و هوایی، خاک و قلمرو جغرافیایی آن اشاره دارد.

۴. بُعد فرهنگی: مجموعه ذهنی مشترکی است که در گذشته شکل گرفته و طی فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های بعدی منتقل شده است. علاوه بر بُعد ذهنی، فرهنگ دارای بُعد عینی نیز هست که به آن میراث فرهنگی گویند.

۵. بُعد سیاسی: بُعد سیاسی هویت ملی به نظام سیاسی یک سرزمین خاص و پذیرش شهروندان آن اشاره دارد. در این راستا، شهروندان به لحاظ روانی، قانونی و فیزیکی خود را اعضای سیستم دانسته و در داخل مرزهای ملی کشور دارای حقوق سیاسی شده‌اند. مهم‌ترین بُعد هویت ملی، همین بُعد است (قوم و زرگر، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳).

بدین سان هویت ملی - فرهنگی به مرتبه‌ای از هویت ملی اشاره دارد که در چهارچوب مرزهای ملی (بُعد جغرافیایی هویت ملی) به لحاظ شاخصه‌های فرهنگی نمایانگر تشابه درون سرزمینی و تمایز برون سرزمینی با دیگر فرهنگ‌هاست؛ زیرا فرهنگ به مجموعه‌ای ذهنی و روانی مشترک اشاره دارد که در گذشته‌ای تاریخی ایجاد شده و بر اساس فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های پس از خود انتقال یافته است. این مجموعه که شامل نمادها، ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهاست تحت تأثیر عواملی چون مذهب، سیاست، اقتصاد در وجدان جمعی جامعه متبلور می‌گردد.

فرهنگ علاوه بر بخش ذهنی دارای بخشی عینی و یا همان تمدن (پوسته ظاهری فرهنگ) است. مؤلفه‌های مذکور نشانه‌ای تاریخی برای یک ملت است که در چهارچوب یک میراث فرهنگی موجب استقلال و تمایز آن از دیگر فرهنگ‌های برون سرزمینی می‌گردد. بر این اساس، ارزش‌گذاری داخلی نسبت به میراث مذکور و دغدغه‌مندی نسبت به حفظ و نگهداری آن و تلاش جهت نمایان ساختن آن در جامعه در چهارچوب هویت ملی با بُعد فرهنگی متبلور می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۶). بدیهی است مرزبندی هویت ملی - فرهنگی با دگر و یا دگرهای فرهنگی خود در بیرون مرزهای ملی با عنوان «استقلال فرهنگی» به منصهٔ ظهور می‌رسد. در نتیجه بر اساس مدل نظری مذکور استقلال فرهنگی ایجاد نمی‌گردد مگر آنکه پیش از آن مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هویت ملی - فرهنگی مورد تأکید و پذیرش مردمان یک سرزمین قرار گرفته باشد. شکل ۱ گویای چنین نکته‌ای است.



شکل ۱. سیر ارتباطی از هویت تا استقلال فرهنگی

با توجه به مدل نظری بالا جهت بررسی مفهوم استقلال فرهنگی در ساخت فکری اندیشه امام خمینی سه شاخصه اصلی هویت ملی - فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته و در این چهارچوب به انطباق آرا و نظریات ایشان با این شاخصه‌ها پرداخته شده است. بدیهی است انطباق‌پذیری و مصداق‌پذیری اندیشه‌های امام ذیل چنین شاخصه‌هایی خودبه‌خود دغدغه‌های ایشان در حوزه استقلال فرهنگی در چهارچوب مرزهای ملی سرزمینی را نشان خواهد داد. در این راستا، سه شاخصه اصلی هویت ملی - فرهنگی ایران عبارتند از:

۱. قضاوت نسبت به میراث فرهنگی گذشته و ارزش‌گذاری آن؛

۲. دغدغه حفظ، نگهداری و تقویت میراث فرهنگی؛

۳. اعتقاد به زبان فارسی و ارزش‌گذاری آن (ابوالحسنی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

شاخص سنجی هویت ملی - فرهنگی در اندیشه امام خمینی

جهت شناسایی شاخصه‌های مذکور در اندیشه امام خمینی نیازمند تبیین اندیشه سیاسی ایشان با محوریت قرار دادن نگاهی مبتنی بر فرهنگ به‌طور عام و هویت ملی - فرهنگی با محوریت این شاخصه‌ها به‌طور خاص هستیم. فرهنگ در اندیشه امام: «بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ،

هرچند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص. ۲۴۳).

بدین سان ایشان فرهنگ را با محوریت مبانی انسان‌شناسانه خویش مورد تأکید قرار داده و در چهارچوبی ارزش‌مدارانه معتقد است: «فرهنگ يك کارخانه آدم‌سازی است؛... فرهنگ، سایه‌ای از نبوت [است]» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، صص. ۴۲۹-۴۲۷).

در این خصوص سیاست نیز جنبه فرهنگی یافته و بُعد هدایت‌گری آن با فرهنگ نسبتی اساسی پیدا می‌کند. به گونه‌ای که هدف سیاست در نگاه ایشان جلوگیری از مفاسد و به‌عبارت‌دیگر، رعایت مصالح است (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، صص. ۲۲۹-۲۲۷).

در نتیجه این امر حفظ هویت فرهنگی از کار ویژه‌های اساسی سیاست است، همان‌گونه که ایشان بر این مهم تأکید ورزیده که «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص. ۳۶۴)؛ و بدیهی است که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های استقلال مردم در این چهارچوب همان هویت فرهنگی است.

همان‌گونه که در مقدمه این نوشتار نیز اشاره شد مفهوم مرزهای ملی در نگاه امام خمینی طبعاً نه در دایره یک جغرافیای ملی، بلکه در چه‌ارچوبی عقیدتی اصالت می‌یابد. بدین سان صحبت از مرزهای ملی در اندیشه ایشان باید حمل بر شرایط اضطرار و اقتضائات روز گردد. از این رو باید گفت در اندیشه امام، تقدم و اصالت بر اساس همین پایه عقیدتی فراملی، نه با سرزمین جغرافیایی ملی بلکه با مملکت اسلامی یا همان دارالاسلام است؛ یعنی جایی که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند یا زمانی تحت فرمانروایی آنان بوده است. در اینجا مسئله «دین» بر مسئله «ملیت» تقدم یافته و با محوریت اعتقاد مشترک نسبت به اصول اسلامی، هویت مشترک ایجاد می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۲۱۱). بر همین اساس است که امام درجایی نزاع میان آمریکا و ایران را یک نزاع عقیدتی می‌داند: «در این نزاعی که، مبارزه‌ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و امریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواستہ اینها بر نهضت ما - که نخواهند کرد - این غلبه، غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص. ۱۰۵).

همان‌طور که مشخص است امام در اینجا بر پایه همین نزاع عقیدتی با گذار از مسئله

ملیت و هویت ملی، مسئله نزاع اسلام با کفر را مطرح می‌کند. نزاعی که میان امت مسلمان (شامل همه مردم سرزمین‌های اسلامی) با آمریکا (نماد کفر) شکل گرفته است؛ اما همان طور که در قسمت پیشین نیز اشاره شد به دلیل عدم وجود شرایط لازم در جهان اسلام برای عملیاتی ساختن این هویت اعتقادی امت‌محور، هویت ملی مبتنی بر مرزهای جغرافیایی به عنوان یک اولویت ثانویه مورد پذیرش ایشان قرار می‌گیرد.

در اندیشه امام خمینی دو رکن اساسی هویت ملی - فرهنگی که بر «تشابه» و «تمایز» فرهنگی تأکید می‌ورزد در چهارچوب مرزهای ملی قابل بیان است. تشابه ملی در این راستا مبتنی بر فرایند بسیج فرهنگی که بیشتر در مقابل دگری به نام «هویت غربی» و پس از آن «هویت شرقی» است، قابل تبیین است؛ زیرا که اساس گفتمان مورد تأکید ایشان همان اسلام سیاسی است که دگر خود را بیشتر در ستیز با «غرب» تعریف می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳). در نتیجه شناختن شاخصه‌های سه‌گانه هویت ملی - فرهنگی در اندیشه مذکور نیازمند فهم هویت ملی - فرهنگی در راستای بسیج امکانات فرهنگی داخلی مبتنی بر عناصر ملی و دینی در مقابل دگری فرهنگی چون «غرب» و پس از آن «شرق» است. در نتیجه چنین تمایز هویتی در راستای ساخت هویتی مبتنی بر چنین عناصری اهمیتی اساسی دارد: بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند ... استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کند. افسوس که هنوز عده‌ای از روشنفکران نمی‌توانند دست از غرب و یا شرق بکشند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص. ۲۵).

ایشان درجایی دیگر می‌گوید:

مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به‌جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر يك قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست؛ و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی،

وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست
(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۴).

درواقع نگاه امام به هویت ایرانیان از منظر مکتب اسلام و گزاره‌های هویتی آن قابل تبیین است. به گونه‌ای که می‌توان گفت از منظر ایشان امکان تعامل و گفتگو با فرهنگ‌های بیرونی و غیر وجود دارد؛ اما تعامل و گفتگویی که به شناخت و پذیرش بخش‌های مقبول این فرهنگ‌ها منجر گشته و با باورهای دینی ناسازگاری نداشته باشد. ویژگی «تمایز» بخشی هویت ملی - فرهنگی که بر استقلال فرهنگی از فرهنگ‌های «غیر» اشاره دارد تبلور دیدگاه آشتی‌گرایانه امام میان عناصر ملی و عناصر اسلامی است. در این خصوص، مشخص است که ملی‌گرایی در شکل افراط‌گرایانه آن که مرهون تلاش‌های طیفی از روشنفکران باستان‌گرا در دوره حکومت‌های رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی بوده است موردنقد اساسی ایشان قرار می‌گیرد. همچنین اسلام‌گرایی بدون توجه به ملیت نیز در اندیشه ایشان جایگاهی ندارد. بلکه در این چهارچوب بر دیدگاهی میانه (ملی‌گرایی صحیح) توجه دارد که در آن بتوان هم بر اسلامیت و هم بر ایرانیت پایبند بود. به گونه‌ای که تأکید ایشان بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۵۸) نشان‌دهنده بُعد دینی با محتوای اسلامیت و بُعد ملی با محتوای ایرانیت است. بدین سان می‌توان هم آموزه‌های اسلامی و هم مصالح ملی را در این چهارچوب مورد شناسایی قرار داد. به همین دلیل، در ساخت فکری امام، هویت نه صرفاً اسلامی و نه صرفاً ایرانی، بلکه در قالبی ترکیبی یعنی ایرانی - اسلامی انعکاس می‌یابد.

با توجه به نکات مذکور هر دو محتوای ایرانی و اسلامی در اندیشه امام، در راستای بازآفرینی استقلال فرهنگی و استقلال هویتی در مقابل فرهنگ بیگانه مورد توجه ایشان قرار گرفته است. در این راستاست که ساختار فکری امام بر نفی فرهنگ‌های شرق و غرب در جهت تأکید بر کسب استقلال فرهنگی به عنوان مسیر صحیح جمهوری اسلامی تأکید می‌ورزد:

ایران از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بوده، مسیر، مسیر راه مستقیم نه شرقی و نه غربی بود و جمهوری اسلامی بود و تاکنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است

(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص. ۱۴۷)

ایشان در همین چهارچوب با استفاده از مفاهیم قرآنی «صراط مستقیم» و «لا شرقیه و لا غربیه» به استقلال انقلاب اسلامی از دو قطب شرق و غرب اشاره می‌کند:

چنانچه این انقلاب اسلامی يك انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ‌یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد، از این جهت، ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد؛ و با پیمودن صراط مستقیم «لا شرقیه و لا غربیه» در مقابل هر دو قطب ایستاده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص. ۴۶۲).

بدین‌سان بهره‌گیری از ظرفیت‌های هویتی دینی و ملی در اندیشه امام در راستای هدفی اساسی‌تر در چهارچوب یک مهندسی فرهنگی در جهت تأکید بر فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه در راستای بهره‌گیری از گزاره‌های دینی در این خصوص معنا می‌یابد (شرفی، ۱۳۸۶، ص. ۲۶).

مطالب مذکور نشان‌دهنده نوع نگاه امام خمینی به مسئله استقلال فرهنگی مبتنی بر پیشینه‌های نظری محتوای هویت ملی و اسلامی است؛ اما آنچه دغدغه اساسی نوشتار است تأکید بر شاخصه‌های ملی استقلال فرهنگی بدون مدعای ایجاد گسست در عناصر ملی و دینی در انعکاس استقلال فرهنگی در اندیشه ایشان است.

با توجه به مقدمات مذکور، اکنون به بررسی شاخصه‌های سه‌گانه هویت ملی - فرهنگی در اندیشه امام پرداخته و انعکاس و نتیجه آن در چهارچوب «استقلال فرهنگی» در ساختار فکری ایشان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی

میراث فرهنگی به‌تمامی آثاری گفته می‌شود که دارای ارزش فرهنگی و هویت فرهنگی بوده و از گذشتگان به ما رسیده باشد. اهمیت این میراث تا اندازه‌ای است که به‌عنوان یک سند با ارزش می‌تواند سیر تکاملی و آثار عینی و ملموس فرهنگ‌ها را نمایان ساخته و در مطالعه ملت‌های گوناگون، قومیت‌ها و به‌طورکلی جوامع مورد استفاده قرار گیرد. این آثار هم دارای جنبه‌های عینی (ملموس) مانند بناهای باستانی است و هم دارای جنبه‌های ذهنی (غیرملموس) مانند آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی است. برخی از این آثار که جنبه

هنری فراوانی دارند در موزه‌ها و گالری‌های هنری و برخی دیگر نیز همچون بناهای باستانی خود به‌عنوان یک میراث فرهنگی شناخته می‌شوند (حسین زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱).

امام خمینی به‌عنوان یک رهبر سیاسی انقلابی با اندیشه‌ای بخردانه با میراث فرهنگی مواجه گشته و بر حفظ و صیانت از چنین آثاری تأکید می‌ورزد. به‌عنوان مثال، در پاسخ به معاون نخست‌وزیر وقت و سرپرست بنیاد مستضعفان که در نامه‌ای به ایشان در مورد نگهداری آثار تاریخی برجسته هنری، فرهنگی و تاریخی کشور که برخی نشانه‌ای نیز از فرهنگ زندگی طاغوت دارند، کسب اجازه کرده، می‌نویسد: «جناب آقای مظاهری، سرپرست بنیاد مستضعفان جنابعالی اجازه دارید تا هر آنچه را که از آثار هنری، فرهنگی و تاریخی کشور محسوب می‌شود و یا فروش آن موجب خسران کشور می‌شود در مکانی مناسب نگهداری نمایید؛ و در صورت امکان در معرض دید عموم قرار دهید. ان شاء الله موفق باشید» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص. ۱۶۷).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود نگاه امام به حفظ و نگاهداری چنین میراثی ورای نگرش رادیکال و تند انقلابی که برخی در سال‌های ابتدای انقلاب آن را دنبال می‌کردند قرار داشته و بر ظرفیت‌های فرهنگی - تاریخی این میراث توجه کافی دارد. به‌گونه‌ای که حفظ میراث فرهنگی به‌عنوان «آثار تمدن» مورد تأیید ایشان قرار می‌گیرد: «... ما با آثار تمدن مخالف نیستیم؛ اسلام با آثار تمدن مخالف نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۲۹۴).

ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته

نگاه امام خمینی به میراث فرهنگی گذشته در راستای همان رویکردی است که ایشان بر عدم دل‌باختگی نسبت به فرهنگ‌های بیرونی دارد. بر این اساس، میراث فرهنگی گذشته که در دوره پهلوی بر پذیرش تام و تمام هویت مبتنی بر ایران باستان و هویت غربی تأکید ورزیده بود، بازسازی نظری گشته و با تلفیق عناصر ایرانی و اسلامی در خدمت خودباوری و استقلال داخلی قرار می‌گیرند. در نتیجه میراث غربی و ایرانی نه کاملاً طرد و نه تماماً چشم و گوش بسته موردپذیرش قرار می‌گیرند. در این خصوص ایشان بر استفاده از دستاوردهای مثبت تمدن غرب به‌جای دستاوردهای پوچ و ظاهری آن و در خدمت پیشرفت فرهنگ، تعلیم و تعلم تأکید می‌ورزد (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص. ۲۳۰-۲۹۹). بر این اساس،

ظرفیت‌های ملی و مذهبی ایران در راستای نیل به هویت ملی - فرهنگی در ضدیت با مستحیل گشتن در هویت غربی بارها مورد تأکید ایشان قرار گرفته به گونه‌ای که درجایی می‌گوید: «...ضد غرب نیستیم. ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غربرزده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به‌سوی ترقی و تمدن گام بردارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص. ۱۶۰).

رسیدن به هدف مذکور نیازمند توجه به نهادهای آموزشی کشور در پیشبرد چنین اهدافی است: «(از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه‌ها است... اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هر گز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص. ۴۲۹).

اعتقاد و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی

از دیگر شاخصه‌های هویت ملی - فرهنگی شاخصه توجه و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی است. امری که در اندیشه امام قابل انطباق است. همان‌طور که در سطور پیش نیز تأکید شد، اندیشه امام در این راستا بر ساختن هویتی در مقابله با فرهنگ غرب به‌طورکلی و زبان فرنگی به‌طور جزئی است. مخالفت با زبان فرنگی در راستای استعمال بدون منطق لغات غربی و در چهارچوب استحاله فرهنگی مبتنی بر خودباختگی فرهنگی مورد ملامت و سرزنش ایشان قرار می‌گیرد:

از مسائلی که مبتلا ما به آن هستیم آدام عبارت از آن است که چهارتا کلمه مثلاً فرنگی یاد بگیرد و دو سه دفعه هم که تو صحبت‌هایش می‌شود، در هرچند کلمه‌ای يك کلمه فرنگی جایش بگذارد. شما نطق‌ها را ببینید. هر کس بیشتر الفاظ فرنگی در کلماتش باشد این بسیار دانشمند است! دانشمندی را به این می‌دانند که چند تا کلمه فرنگی در کلماتش باشد. این برای این است که نطق‌ها هم استعماری است. خودش آدم استعماری شده است. شما بروید در آمریکا. اینهایی که صحبت می‌کنند ببینید. يك کلمه

فارسی در تمام صحبت‌هایشان، در تمام کتاب‌هایشان اگر پیدا کردید؟ لکن ما کتاب وقتی می‌نویسیم، اسم هم که می‌گذارند اسمی باشد باید فرنگی بگذارند. در بینش هم تا چند تا اسم فرنگی، با حروف لاتین هم جایش نگذارند فایده ندارد. برای اینکه هم مشتری بیشتری پیدا می‌شود، هم این آقا بیشتر معروف می‌شود به اینکه خیلی دانشمند است. يك چند تا ایسم بگذارند، دیگر تمام است مطلب؛ و هر چه هم مطلبش، تهی باشد از مغز با همین‌ها جبران می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص. ۲۲۷).

بدین‌سان حفظ و اهمیت زبان فارسی به‌عنوان شاخصه دیگر هویت ملی - فرهنگی در اندیشه امام خمینی در راستای بازسازی هویت فرهنگی و مقابله با پذیرش بی‌چون‌وچرای هویت بیرونی (غربی) مورد تأکید قرار گرفته است.

بدین ترتیب انطباق سه شاخصه اصلی هویت ملی - فرهنگی در اندیشه امام خمینی و بازشناسی اندیشه‌های ایشان در این راستا گویای پذیرش شاخصه‌های مذکور ذیل به‌کارگیری آنان در راستای ایجاد تجانس فرهنگی داخلی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه خارجی (بیشتر فرهنگ غرب) است. امری که منتج به استقلال فرهنگی بر پایه میراث هویتی ملی با بُعد فرهنگ در اندیشه مذکور می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت استقلال فرهنگی در ساخت فکری امام از مسیر هویت ملی - فرهنگی عبور کرده و با خودش خودباوری، اعتماد به خویشتن و عدم استحاله در فرهنگ بیگانه به همراه می‌آورد؛ زیرا که وابستگی فکری و اتکا نداشتن به شاخصه‌های مورد اشاره داخلی منجر به عدم شکل‌گیری استقلال فرهنگی می‌گردد، بنابراین باید در درجه اول خود را شناخته و با اتکای به فرهنگ خویش در این مسیر مهم گام برداریم.

نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش گردید مفهوم استقلال فرهنگی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی در چهارچوب مدل فرهنگی هویت ملی مورد تبیین قرار گیرد. درک استقلال فرهنگی در آرا و نظریات امام را باید در راستای نگاه معرفتی کلی‌تر ایشان نسبت به فرهنگ‌های بیرونی «غرب» و «شرق» تبیین کرد. به جهت اینکه دستگاه‌های فرهنگی کشور در آن زمان بیشتر

«غرب» را به عنوان یک کل فرهنگی بی‌عیب و نقص مورد شناسایی قرار داده و نوعی دل‌باختگی فرهنگی در کشور را منعکس می‌نمودند، مبنای نظریات امام در این راستا بر نوعی بسیج فرهنگی - بومی بر محور عناصر ایرانی - اسلامی در ضدیت با چنین نگاهی به غرب قابل تبیین است. امری که امام در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مطرح نمود. در نوشتار حاضر ضمن تحلیل ساختار کلی اندیشه امام خمینی در مورد استقلال فرهنگی که گویای نگرش ایشان بر هر دو جنبه دینی و ملی این مهم است در چهارچوب مدلی هویتی (هویت ملی - فرهنگی) جنبه‌های ملی مفهوم استقلال فرهنگی در این اندیشه بررسی شد. در این راستا، هویت ملی - فرهنگی که در خودش دو عنصر تجانس فرهنگی مبتنی بر ضدیت با عناصر بیرونی «غیر» فرهنگی دارد با سه شاخصه یاد شده در اندیشه‌های امام مورد انطباق قرار گرفت. انطباق مذکور گویای پذیرش شاخصه‌های سه‌گانه یاد شده در خدمت بسیج عناصر فرهنگ ملی در راستای ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی داخلی (ویژگی اول هویت ملی - فرهنگی) و ایجاد مرز و تمایز با فرهنگ‌های بیگانه (ویژگی دوم هویت ملی - فرهنگی) و در نتیجه رسیدن به استقلال فرهنگی در ساخت فکری اندیشه امام خمینی است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آسایش، ساسان (۱۳۹۲). تربیت فرهنگی از منظر امام خمینی. همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی.
- ابوالحسنی، سیدعبدالرحیم (۱۳۸۷). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی. فصلنامه سیاست، ۳۸ (۴)، ۱-۲۲.

- اسدی مقدم، کبری (۱۳۷۸). دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی. تهران: نشر ذکر، چاپ چهارم.
- اکبری، محمد علی (۱۳۹۴). تبارشناسی هویت جدید ایرانی، عصر قاجاریه و پهلوی اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲۲ جلدی.
- اوزکریملی، اوموت (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم. ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۳). بحران هویت در جامعه معاصر ایران، رویکردی نظری. تهران: انتشارات شابخش.
- باقری دولت‌آبادی، علی و التیام‌نیا، رضا (۱۴۰۰). مشکلات فرهنگی جهان اسلام و راهکارهای آن از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۳ (۸)، ۵۳-۷۰. doi: 20.1001.1.26767368.2021.3.8.3.5
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۳). فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه. در کتاب خاورمیانه (۱): (ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بهشتی، محمد صادق (۱۳۹۵). کارکردهای انسان‌شناختی گفتمان اسلام سیاسی ایران در عصر جدید. اولین سمینار پژوهشی هندسه معرفت دینی با موضوع ولایت در اندیشه اسلامی. <https://civilica.com/doc/533479>
- جمشیدی، محمد حسین و اسلامی، محسن (۱۳۹۶). تفکر و فرهنگ بسیجی در اندیشه امام خمینی. مطالعات قدرت نرم، ۷(۱)، ۴۲-۶۵. https://www.spba.ir/ar-ticle_48312.html
- حسین‌زاده، حمید (۱۳۹۳). بررسی نقش میراث فرهنگی در توسعه گردشگری. همایش ملی رویکرد عملی به پیاده‌سازی مفاهیم علمی، مباحث تئوری و پژوهش‌های کاربردی علوم فنی. <https://civilica.com/doc/387608>
- خادم پیر، حسین؛ باقرآبادی، غلامحسین و زمانی منش، حامد (۱۳۹۲). نقش انقلاب

- قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین (۱۳۸۸). دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل، چهارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت ملت‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۹). نقش بنیادین فرهنگ برای اصلاح جامعه در اندیشه امام خمینی^(ع). کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی اجتماعی امام خمینی^(ع).
<https://sid.ir/paper/819966/fa>
- محسنی، مریم (۱۳۸۹). جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی. کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی اجتماعی امام خمینی^(ع).
<https://sid.ir/paper/819970/fa>
- میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۷۸). اندیشه امام خمینی، نگرشی انسان‌شناختی یا جامعه‌شناختی. مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین^(ع)، ۳۲، ۳۷-۵۰.
<https://ensani.ir/fa/article/262482>
- Abolhassani, S. (2008). Components of National Identity with a Research Approach. *Quarterly Journal of Politics*, 38(4), 1-22. https://jppq.ut.ac.ir/article_27701.html
- Akbari, M.A. (2015). *Genealogy of the New Iranian Identity: Qajar Era & the First Pahlavi Period*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Amid Zanjani, A. A. (2000). *Political Jurisprudence*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Asadi Moghaddam, K. (1999). *Imam Khomeini's cultural views*. Tehran: Zikr Publishing, 4th edition. [In Persian]
- Asayesh, S. (2012). Cultural education from the perspective of Imam Khomeini. *National conference on cultural education and lifestyle management*.
- Babaei-Fard, A. (2014). *Identity Crisis in Contemporary Iranian Society: A Theoretical Approach*. Tehran: Shabakhsh Publishing. [In Persian]

- Bagheri Dolatabadi, A & Eltiaamnia, R. (2021). Cultural Problems of the Islamic World & Their Solutions from the Perspective of Imam Khomeini. *Contemporary Researches of Islamic Revolution Quarterly*, 3(8). 53-70. doi: [20.1001.1.26767368.2021.3.8.3.5](https://doi.org/10.1001.1.26767368.2021.3.8.3.5)
- Bani-Hashemi, M. (2004). *The Process of Nation-Building in the Middle East. In The Middle East (I): Special Issues & Challenges of the Middle East*. Tehran: Institute for Cultural Studies and International Research of Abrar Contemporary Tehran. [In Persian]
- Beheshti, M.S. (2016). Anthropological Functions of Iran's Political Islam Discourse in the New Era. *The First Research Seminar on the Geometry of Religious Knowledge with the Topic of Guardianship in Islamic Thought*. <https://civilica.com/doc/533479>
- Darvishi, F. (2010). Dimensions of Security in the Thoughts & Views of Imam Khomeini. *Strategic Studies Quarterly*, 13(3), 55-82. dor: [20.1001.1.17350727.1389.13.49.3.4](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1389.13.49.3.4)
- fasihramandi, M. (2021). Studying Relation between Cultural Rights and Freedom of Speech with an Approach to Imam Khomeini's View-points. *Matin Research Journal*, 23(92), 153-167. doi: [10.22034/matn.2022.191116.1445](https://doi.org/10.22034/matn.2022.191116.1445)
- Ghavam, A. & Zargar, A. (2009). *State-Building, Nation-Building, & International Relations Theory: An Analytical Framework for Understanding & Studying the World of Nation-States*. Tehran: Islamic Azad University Press, Science and Research Unit. [In Persian]
- Hosseinzadeh, H. (2014). Examining the Role of Cultural Heritage in Tourism Development. *National Conference on Practical Approaches to Implementing Scientific Concepts, Theoretical Issues, and Applied Research in Technical Sciences*. <https://civilica.com/doc/387608/>
- Jamshidi, M.H & Islami, M. (2016). Basiji thought and culture in Imam Khomeini's thought. *Soft Power Studies*, 7(1), 42-65. https://www.spba.ir/article.48312_html
- Khadem Pir, H; Bagherabadi, Gh. & Zamani Manesh, H. (2012). The role of Iran's Islamic revolution in the view of Imam Khomeini in the awakening of

the Islamic world. *Pioneers of knowledge Congress*. <https://www.sid.ir/paper/870040/fa#downloadbottom>

- Khan Mohammadi, Y. (2007). Government and cultural politics from Imam Khomeini's point of view. *Epistemological Studies in Islamic University*, 11(2), 1-38. <https://ensani.ir/fa/article/182174>
- Khomeini, S. R. (2006). *Collection of Imam works*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Khonakdar Tarsi, M. & Salahshuri, A. (2012). Factors of cultural education from Imam Khomeini's point of view. *Journal of Research in Islamic Education Issues*, 21(20) 115-133. https://iej.ihu.ac.ir/?_action=article&kw=203396
- Mahbubi Manesh, H. (2010). The Fundamental Role of Culture for Social Reform in Imam Khomeini's Thought. *National Congress on Examining the Cultural and Social Thoughts of Imam Khomeini*. <https://sid.ir/paper/819966/fa>
- Mirsandsi, S. M. (1999). Imam Khomeini's thought, an anthropological or sociological perspective. *Humanities Journal of Imam Hossein University (AS)*, 32, 37-50. <https://ensani.ir/fa/article/262482>
- Mohseni, M. (2010). The Place of Culture & Cultural Transformation from the Perspective of Imam Khomeini. *National Congress on Examining the Cultural and Social Thoughts of Imam Khomeini*. <https://sid.ir/paper/819970/fa>
- Özkirimli, U. (2004). *Theories of Nationalism*. Translated by Mohammad Ali Ghasemi, Tehran: Institute for Iranian National Studies. [In Persian]
- Rahmani, H. (2013). Cultural pathology of the country from Imam Khomeini's point of view. *Islamic Education*, 11(28), 71-108. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1043143>
- Sedighi, M.; Masoudnia, M. & Hersij, H. (2017). Concept & Components of Cultural Independence in Imam Khomeini's Political Thought. *Strategic Studies of Basij Quarterly*, 20(77), 65-88. dor: 20.1001.1.1735501.1396.20.77.3.9
- Sharafi, A. (2007). *Culture in the Thought of Imam*. *Zamaneh Monthly*, 6(58), 34-37. <https://ensani.ir/fa/article/11269>

- Sohrabi, H. R. & Musavikhu, S. M. (2021). An Analysis of “Islamic Revolution” based on Imam Khomeini’s Anti-Colonial Theory. *Matin Research Journal*, 23(91), 111-137. doi: [10.22034/matin.2021.163965.1328](https://doi.org/10.22034/matin.2021.163965.1328)
- Taheri Bonchenari, M. (2010). *Western culture and civilization from Imam Khomeini’s point of view*. Tehran: Publishing Center of Islamic Revolution Documents. [In Persian]